

Original Article

Justifications of the Social Punishments from the Perspective of Citizenship Rights

Mehdi Shabanzadeh¹, Seyyed Hossein Hashemi^{2*}, Seyyed Mahmoud Mirkhalili³, Shahraddar Darabi⁴

1. Ph.D. Student in Criminal Law and Criminology, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran.

2. Associate Professor, Department of Law, Mofid University of Qom, Qom, Iran. (Corresponding Author)

Email: shhashemi@gmail.com

3. Associate Professor, Department of Law, Farabi Campus, University of Tehran, Qom, Iran.

4. Assistant Professor, Department of Law, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran.

Received: 5 Oct 2019 Accepted: 25 Jan 2020

Abstract

Background and Aim: The human beings' progresses and evolutions have caused changes in the form and nature of the punishments, as well. Due to the same reason, attentions have been paid with the human right concepts' gaining of importance to the importance of the social punishments or incarceration alternatives as ways for showcasing a humane visage of the punishments. In line with this, the present study seeks investigating the reasoning posited about the social punishments from the perspective of citizenship rights.

Materials and Methods: The method used in this research is descriptive-analytical with the applying of the documentary resources and use of credible resources, including the prominent articles and books on the social punishments.

Findings: Social punishments are of importance from the perspective of the citizenship rights due to such considerations as the decarceration, use of alternative punishments, paying attention to the position and prestige of the criminals in the society, paying attention to certain criminals like women, children and less dangerous criminals, establishing participation between the people and the judicial system, enforcing punishments in neighborhood level and use of the individuals' expertise in social convictions as well as making security a collective concern.

Conclusion: Social punishments are enumerated amongst the Ta'azir punishments as stated in the domestic regulations of Islamic Republic of Iran. Therefore, they feature a fluid and changeable nature hence social punishments can be applied in proportion to personal states and temporal conditions in lieu of incarceration. Moreover, social punishments decrease the penal costs; put emphasis on the participatory role of the people in the supply of security and citizenship rights; increase the trust between the people and the judicial system and pay attention to decarceration as an effective method. Considering the effective and efficient methods seen in the social and alternative punishments, the domestic legislator should encourage the judicial system and instruct them for better application of these methods thereby to replace the imprisonment with novel approaches that, meanwhile being deterring, significantly and effectively reduce the social crimes and criminality.

Keywords: Social Punishment; Incarceration; Incarceration Alternatives; Citizenship Rights

Please cite this article as: Shabanzadeh M, Hashemi SH, Mirkhalili SM, Darabi D. Justifications of the Social Punishments from the Perspective of Citizenship Rights. *Iran J Med Law*, Special Issue on Human Rights and Citizenship Rights 2020; 563-575.

توجیهات مجازات‌های اجتماعی از منظر حقوق شهروندی

مهدی شعبان‌زاده^۱، سیدحسین‌هاشمی^{۲*}، سیدمحمود میرخلیلی^۳، شهرداد دارابی^۴

۱. دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران.

۲. دانشیار گروه حقوق، دانشگاه مفید، قم، ایران. (نویسنده مسؤول) Email: shhashemi@gmail.com

۳. دانشیار گروه حقوق، پردیس فارابی قم، دانشگاه تهران، قم، ایران.

۴. استادیار گروه حقوق، واحد قم، دانشگاه آزاداسلامی، قم، ایران.

دریافت: ۱۳۹۸/۷/۱۳ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۱/۵

چکیده

زمینه و هدف: پیشرفت‌ها و تحولات بشری، شکل و ماهیت مجازات‌ها را نیز دچار تغییر کرده است. به همین دلیل، با اهمیت یافتن مفاهیم حقوق بشری، اهمیت مجازات اجتماعی یا شیوه‌های جایگزین حبس به عنوان روشی برای انسانی جلوه‌دادن مجازات مورد توجه قرار گرفته است. در همین راستا، پژوهش حاضر درصدد است تا استدلال‌های مطرح‌شده درباره مجازات‌های اجتماعی را از منظر حقوق شهروندی بررسی نماید.

مواد و روش‌ها: روش مورد استفاده در این پژوهش، توصیفی - تحلیلی است که با بهره‌گیری از منابع اسنادی و استفاده از منابع معتبر اعم از مقالات و کتب مطرح در زمینه مجازات‌های اجتماعی، نگاشته شده است.

یافته‌ها: مجازات‌های اجتماعی به دلیل مد نظر قراردادن حبس‌زدایی، استفاده از مجازات جایگزین، توجه به منزلت و جایگاه مجرمان در جامعه، توجه به مجرمان خاص نظیر زنان، کودکان و بزه‌کاران کم‌خطر، برقراری مشارکت میان مردم و دستگاه قضایی، محله‌ای کردن مجازات و استفاده از تخصص افراد در محکومیت‌های اجتماعی و همچنین مشارکتی کردن امنیت، از منظر حقوق شهروندی واجد اهمیت هستند.

نتیجه‌گیری: مجازات‌های اجتماعی در قوانین داخلی جمهوری اسلامی ایران در حیطه مجازات تعزیری به شمار می‌روند. از این رو دارای ماهیتی سیال و تغییرپذیر هستند که می‌توانند متناسب با احوال فردی و شرایط زمانه، مجازات اجتماعی را به جای حبس به کار گیرند. همچنین مجازات اجتماعی هزینه‌های کیفری را کاهش می‌دهد، بر نقش مشارکتی مردم در تأمین امنیت و حقوق شهروندی تأکید می‌نماید، اعتماد میان مردم و دستگاه قضایی را افزایش می‌دهد و حبس‌زدایی را به عنوان روشی مؤثر مورد توجه قرار می‌دهد. قانونگذار داخلی با توجه به شیوه‌های مؤثر و کارآمدی که در مجازات‌های اجتماعی و جایگزین دیده می‌شود، می‌بایست با تشویق و ترغیب دستگاه قضایی و آموزش آنان جهت بهره‌گیری از این روش‌ها، رویکردهای جدیدی را جایگزین حبس نمایند که در عین بازدارندگی، بزه‌کاری و جرائم اجتماعی را به شیوه‌ای مؤثر کاهش دهند.

واژگان کلیدی: مجازات اجتماعی؛ حبس؛ جایگزین حبس؛ حقوق شهروندی

مقدمه

جوامع سیاسی و اجتماعی از دیرباز برای برقراری عدالت و جلوگیری از گسترش جرم و جنایت، قوانین حقوقی خاصی را تدوین می‌کنند و آن را به اجرا درمی‌آورند. این رویکرد که در جوامع مختلف دارای ابعاد متعددی است، اشکال خاصی از روش‌های مجازات را نیز پدید آورده است. با این حال، تحولات روزافزون بشر در حوزه‌های مختلف باعث تغییر نگرش و تحول روش‌های اعمال مجازات در جوامع گوناگون و نظام‌های حقوقی شده است. به طور مشخص، مطرح‌شدن موضوع حقوق بشر باعث تغییر در حوزه حقوق کیفری نیز شده است. همین مسأله باعث شد تا جرم نیز همانند یک موضوع انسانی و اجتماعی نگریسته شود و تا حد امکان، مجازات تنبیهی و فیزیکی جای خود را به مجازاتی بدهد که مانع طرد و حذف فرد از جامعه گردد. بنابراین اهداف مجازات در راستای مفاهیم حقوق بشری به پیوند دوباره فرد با جامعه و پیشگیری از تکرار جرم تغییر یافته است (۱). این مسأله از سویی، باعث ایجاد تغییر نگاه در محیط زندان و همچنین نگرش اجتماع نسبت به زندانیان و مجرمان شده است.

به طور کلی، آنچه در سیاست کیفری کشورهای مختلف دنیا بیش از سایر روش‌های کیفری مورد توجه واقع شده است، مجازات حبس است که مهم‌ترین آثار آن، شکل‌گیری فرهنگ حبس‌باوری در میان آحاد مختلف جامعه است. با این حال، گسترش زندان، چالش‌های گسترده اجتماعی، خانوادگی و فردی را پدید آورد که مهم‌ترین آن چالش «زدحام زندان» است. همین چالش‌ها باعث شده تا رویکردهای جایگزین حبس مورد توجه بیشتری قرار گیرند و به عنوان شیوه‌ای برای مقابله با چالش ازدحام زندان به کار گرفته شود.

از طرفی چرخش سیاست کیفری محض به سمت سیاست کیفری مشارکتی که در جای خود مورد بحث قرار خواهد گرفت، باعث ظهور مجازات‌هایی گردید که امروزه با نام مجازات‌های اجتماعی یا جامعه‌محور شناخته می‌شود. این مجازات‌ها که با اهداف مختلفی طراحی و اجرایی می‌شوند، نقش مهمی در اصلاح رفتارهای اجتماعی مجرمان، جلوگیری از گسترش بزه‌کاری و اصلاح بزه‌کاران، ایفا می‌نماید. در واقع

مجازات‌های اجتماعی در کنار سایر انواع مجازات‌های سنتی از قبیل زندان، اعدام و مجازات‌های بدنی و...، به عنوان نوعی واکنش نسبت به کنش‌های مجرمانه و ضمانت اجرایی تقریباً جدید در متون جزایی جای دارد. لازم به ذکر است که تا قرن نوزدهم تنها مجازاتی که می‌توان آن را از نوع اجتماعی و غیر زندان دانست، جزای نقدی بود (به جز مجازات اعدام). در واقع منظور از مجازات اجتماعی، مجازاتی است که در آن، اهداف سیاست جنایی مشارکتی و عدالت ترمیمی بیشتر برجسته است و برخلاف حبس، درصدد به کارگیری روش‌های جبران خسارتی است که بتواند کیفرهای اجتماعی متناسب با جرائم را به کار گیرد. کیفرهایی که نمایانگر نقش‌آفرینی نهادهای غیر رسمی در اجرای مجازات و همچنین مشارکت مردم در کاهش جرائم اجتماعی است و از تمرکززدایی قضایی نیز جلوگیری می‌نماید. بدین ترتیب عدالت کیفری را به سمت رهیافت‌های عدالت ترمیمی از جمله قضازدایی، مشارکت مدنی و سیاست جنایی تأدیبی و تربیتی سوق می‌دهد (۲).

با توجه به مطالب ذکرشده، می‌توان گفت ترکیب مجازات‌های اجتماعی در تاریخ سیاست کیفری مفهوم اصطلاحی جدیدی است و دربرگیرنده تدابیری است که از سوی نظام‌های کیفری و از رهگذر تصویب و تأیید قانونگذار، تعیین می‌گردند و با مشارکت اجتماع، با انگیزه بازپروری مجرمین و کنشگری هرچه بیشتر نهادهای مردم‌مدار در فرایند عدالت ترمیمی با اعمال نظارت قدرت حاکم به اجرا درمی‌آیند. در همین راستا پژوهش حاضر درصدد است تا استدلال‌های مطرح‌شده به نفع مجازات‌های اجتماعی را خاصه از حیث ارتقاء حقوق شهروندی، مورد بحث و بررسی قرار دهد و مزیت‌های آن را در حوزه‌های فردی و اجتماعی مورد واکاوی قرار دهد؛ چه این‌که چنین رویه‌ای به نحو اجتناب‌ناپذیری با زندگی اجتماعی انسان‌ها سروکار دارد و حیطه حقوق شهروندی را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد. بنابراین هدف اصلی پژوهش حاضر، توجیه استدلال‌های مطرح‌شده درباره مجازات‌های اجتماعی از منظر حقوق شهروندی است.

مفاهیم و اصطلاحات

۱- مجازات

مجازات در لغت به معنای کیفر دادن یا به جزاسانیدن است که به همراه خود درد و رنج به همراه دارد. البته سزادهی یا مکافات در معنایی عام‌تر مترادف کلمه مجازات به کار رفته‌اند که به معنای جبران گذشته، هم متضمن دادن پاداش برای اعمال خوب و هم حاوی تنبیه برای اعمال بد است. البته باید توجه داشت، آن چنانکه واژه مجازات در معنای حقوقی خود تنها رنج و تنبیه را به ذهن متبادر می‌سازد، تنها در قلمرو علم حقوق معنا ندارد، بلکه در معانی مختلفی همانند معنای اخلاقی آن نیز کاربرد دارد. به عنوان مثال تنبیه پدر نسبت به فرزندش به قصد تأدیب نیز، در لغت مجازات نامیده می‌شود (۳).

۲- مجازات اجتماعی

واژه اجتماعی در برابر واژه فردی به معنای اموری که مربوط به اجتماع است، به کار برده می‌شود. مترادف این لغت در لغت‌نامه‌های فارسی، مدنی یا جمعی عنوان شده است، اما در بحث مجازات‌های اجتماعی که ترجمه اصطلاح « Social Punishment » می‌باشد، واژه Social به اجتماع‌محور و جامعه‌محور نیز ترجمه گردیده است. در حقوق انگلستان که مجازات‌های مورد بحث حاضر را به صورت مجزا از سایر انواع کیفرها بیان نموده است، از ترکیب لغوی « Community Sentence » استفاده شده است. اصطلاح جامعه اشکال مختلف مشارکت داوطلبانه و همکاری اعضای جامعه را جهت اجرای مجازات شامل می‌شود. به هر حال از نظر اصطلاحی می‌توان گفت مجازات‌های اجتماعی به مجازات‌ها یا کیفرهایی اشاره دارد که از رهگذر اجتماع یا گروهی خاص از اجتماع به منصف ظهور می‌رسند. فرایند کیفری‌ای که به عنوان یک پاسخ جنایی از رهگذر یکی از مقامات قضایی اجرا و مورد حکم قرار می‌گیرد و نیازی نیست که مجرم بلافاصله زندانی شود، اما هم‌زمان یک سیستم نظارت که دارای پیش‌زمینه اجتماعی است بر او بار می‌شود (۴).

۳- حقوق شهروندی

شهروندی از جمله مفاهیمی است که در دوره معاصر وارد ادبیات سیاسی جوامع مختلف شده است و ابعاد سیاسی، اجتماعی - اقتصادی، قضایی و مدنی دارد. شهروند شدن، به دست‌آوردن موقعیتی حقوقی، برابر با سایر شهروندان، برخوردار شدن همگام با آن‌ها از برخی حقوق و داشتن وظایف مشترک است (۵). در این تعریف، شهروندی مفهومی است که ارتباط نزدیکی با دولت - ملت دارد، چه این‌که شهروندی به سبب این‌که در یک جامعه انسان‌هایی با حقوق و تکالیف برابر باشند، معنا می‌یابد. شکل ساده شهروندی به معنای حضور در سیاست و اجتماع است که به هیچ وجه نقش منفعل و منفک از جامعه را نمی‌پذیرد. به عبارتی ساده‌تر، عضو بودن در یک جامعه به معنی مشارکت در فرایندهای سیاسی و اجتماعی جامعه نیز می‌باشد. به هر حال، عضویت، بنیان شهروندی است، هرچند که عضویت همه‌شمول هنوز تحقق نیافته است، اما دامنه آن روز به روز در حال گسترش است (۶).

مجازات اجتماعی؛ مؤلفه‌ها و ابعاد آن

معنای اصطلاحی مجازات، راه را برای تبیین معنای اصطلاحی مجازات‌های اجتماعی هموارتر می‌سازد. همانطور که در تبیین معنای مجازات‌های اجتماعی گفته شد، این مجازات‌ها دربرگیرنده مجازات‌هایی هستند که به اجتماع یا جامعه مربوط می‌شوند. فرهنگ و اصول اخلاقی هر جامعه در یک سازمان اجتماعی خاص پایه‌گذاری شده است که در نتیجه، یک کل اجتماعی کاربردی را تشکیل می‌دهد. این الگوهای نوظهور تعامل اجتماعی، هم‌زمان با طبقه‌بندی مشترک از طرف افراد درگیر در این تعاملات به وجود می‌آیند که باعث ایجاد چارچوبی می‌شود که افراد در یک جامعه به روش منسجم متعهد باشند (۷). این مفهوم متقابل جامعه و جنبش جرم‌شناسی جدید، اصلاح مجازات‌ها و به تبع آن ظهور مجازات‌هایی که محوریت تعامل اجتماعی افراد در آن‌ها بیش از یک تنبیه یا ایجاد یک روش تلافی‌جویانه صرف است را ایجاد نموده‌اند. این اصلاحات که عمدتاً در جانشین‌های مجازات کیفر حبس نمود پیدا کرده‌اند، در بسیاری از جهات

است و باید به گونه‌ای باشد که قادر به تأثیر مستقیم بر جریان آن گردد. در واقع جامعه در مفهوم مشارکت، به صورت مؤثری منبعی برای اقدامات کیفری شده و در بسیاری از موارد همانند یک پلیس محله‌ای یا طرح نظارت محلی پدیدار می‌شود. این نظارت از دو طریق عوامل عدالت اجتماعی و روش مناظره‌ای اعمال شرم و شرمساری اعمال می‌گردد.

مشارکت با اعمال عدالت اجتماعی به جایگزین‌های معمولی اشاره دارد که جامعه به طور مستقیم در سیستم قضایی، اجتماعی و تصمیم‌گیری عدالت کیفری از طریق مکانیسم‌های محاکمه‌ای درگیر می‌شود. در این صورت جامعه در حداقل مشارکت خود، در بسیاری از اقدامات پیشگیرانه دخالت می‌کند. طریق دیگر اعمال این مشارکت این است که مجازات‌های جامعه‌محور، آزار و رنج خود را به روش کیفی از طریق شرمساری به صورت مستقیم بر شخص وارد می‌نمایند. بر همگان آشکار است که بدون دخالت اجتماع هیچ احساس خجالت و شرمساری برای مجرم ایجاد نمی‌شود. بنابراین مشارکت جامعه به طور مستقیم، این مزیت را به همراه دارد که ارزش‌های جامعه را در مجازات‌های اجتماعی خلط نماید و فرایند درمان را از طریق ذی‌نفعان و شرکت‌کنندگان به مجازات تزریق نماید.

مجازات‌های اجتماعی در حقوق اسلامی

شناخت ماهیت مجازات‌های اجتماعی یا جامعه‌محور، چه از نظر قانونی و چه از نظر فقهی روند اجرا و دیگر ملزومات مربوط به این مجازات‌ها را مشخص می‌سازد. به طور کلی مجازات‌هایی که توسط فقهای اسلام در مباحث مربوط به احکام جزایی ذکر شده‌اند، به چهار قسم حدود، قصاص، دیات و تعزیرات تقسیم می‌شوند (۱۲). مطابق با قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ نیز حدود، قصاص، دیات و تعزیرات به عنوان انواع مجازات‌ها ذکر شده‌اند. بنا بر تعاریفی که از حد، قصاص و دیه در قانون ارائه شده است مجازات‌های اجتماعی جزو هیچ کدام از این سه مورد نخواهد بود.

بدین ترتیب تنها تعزیرات است که مجازات‌های اجتماعی را می‌توان در آن جای داد، چراکه با توجه به معنای موسع خود

همکاری و تعامل جامعه به عنوان یکی از اطرافی که زیان‌دیده از جرم است را می‌طلبد و هم‌زمان با تنبیه و مجازات مجرم در پی ایجاد بستری مناسب در درون خود اجتماع برای اصلاح وی نیز هست.

سؤال اساسی که در اینجا باید به آن پاسخ داده شود، این است چه میزان دخالت و همکاری برای جامعه در خصوص ایجاد بستر اجرای مجازات‌های جامعه‌محور باید در نظر گرفته شود؟ به طور کلی سه مفهوم برای جامعه در نظر گرفته می‌شود: جامعه به مفهوم محل اجرای مجازات، جامعه به عنوان ذی‌نفع مجازات و جامعه به عنوان شرکت‌کننده و شریک در اجرای مجازات (۸).

در مورد مفهوم اول، یعنی جامعه به عنوان مکانی ثابت در سیاست کیفری، به جامعه به عنوان مکانی خارج از زندان اشاره دارد. مطابق با این نظر جوامع کاملاً منفعل بوده و تنها به عنوان یک پس‌زمینه مورد استفاده قرار می‌گیرند (۹). ایراد وارده بر این نظریه این است که جامعه مفهومی بیش از مکانی که افراد در آن جمع شده‌اند، دارد و باید توجه داشت که افراد به وجود آورنده یک جامعه دارای زمینه‌های متفاوت قضایی، زمانی، خویشاوندی و قومی و نهادی هستند. جامعه لزوماً یک ارتباط مکانی نیست و یک تصور فضای مکانی از آن برای تعیین مشارکت در اجرای مجازات‌های جامعه‌محور آشکارا مفهومی ناقص خواهد بود (۱۰).

جامعه در مفهوم ذی‌نفع مجازات این مزایا را به دنبال دارد که تنبیهی که در نظر گرفته می‌شود به نفع افراد آن، چه از طریق کاهش میزان جرم و چه از طریق جبران آسیب وارده، می‌باشد. اگر جامعه را در این مفهوم، یعنی مصرف‌کننده مجازات‌های اجتماعی در نظر بگیریم؛ این که جامعه چگونه می‌خواهد راه رسیدن به این نفع و به تبع آن نحوه به کارگیری را معین کند باقی‌مانده و همچنان در اعمال واقعی مجازات منفعل می‌ماند و تنها در روند اطلاع از اهداف مجازات فاعل می‌باشد (۱۱).

در مورد مفهوم جامعه به معنای مشارکت نیز زمینه‌های محدودی در زمینه آن وجود دارد. این سطح از مشارکت جوامع مستلزم حضور فعال آن‌ها در فرایند اجرای مجازات

می‌تواند انواع دیگر مجازات‌ها را نیز در بگیرد. از نظر فقهی نیز به نظر می‌رسد بر اساس قاعده فقهی «التعزیر لکل بما یراه الحاکم» و «التعزیر لکل عمل محرم» بتوان گفت مبنای مجازات‌های مورد بحث را می‌توان در دسته مجازات‌های تعزیری یافت (۱۳)، اما توجه به اهداف و نوع برخی از مجازات‌ها که نیروی معجزه‌گر اجتماع در اصلاح مجرمان در آن‌ها به خوبی نمایان است، حقیقت وجودی آن‌ها را از یک جایگزین حبس بودن محض به سمت دیگر گونه‌های مجازات می‌کشاند، به طوری که در موضوع جرائم اجتماعی، علاوه بر مجازاتی نظیر زندان و... می‌بایست رویه جدیدی با عنوان مجازات اجتماعی نیز باز شود که اهداف تأمینی و تربیتی را مورد توجه قرار دهد. از این حیث، مجازات اجتماعی را باید با توجه به اهداف مستقلی که دنبال می‌نماید، به عنوان نسل جدیدی از مجازات‌ها و به منظور تناسب مجازات با شخصیت مجرم در جهت بازپروری او تلقی نماییم (۱۴).

به طور کلی، در قانون اساسی ج.ا. ایران حبس‌زدایی به طور صریح مورد توجه نیست، بلکه با دقت در برخی اصول از جمله اصل ۱۵۶ و سیاست‌های کلی نظام که از سوی رهبری و مطابق بند ۱۱۰ قانون اساسی دنبال می‌شود، پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمان از حیث رویکرد اجتماعی مورد توجه قرار گرفته است. رویکرد مزبور در سیاست‌های ابلاغی نظام در سال ۱۳۸۱ و ۱۳۸۸ نیز مورد توجه قرار گرفته است. بنابراین تغییر رویه قضایی و در نظر گرفتن مجازات جایگزین حبس به عنوان یکی از راهبردهای اصلی در نظام قضایی ترسیم شده است (۱۵). بدین ترتیب بخش مهمی از کیفرهای اجتماع‌محور که جایگاه خاصی به مجازات جایگزین حبس بخشیده‌اند، در قوانین و اسناد بالادستی جمهوری اسلامی ایران دیده می‌شود. به همین ترتیب نهادهای مختلف اجتماعی و قضایی نیز ملزم به همکاری با قوه قضاییه هستند که هدف اصلی آنان نیز پررنگ کردن نقش مردم در نظام کیفری و تسریع در روند قضازدایی است. قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۹/۱۰/۲۵ یکی از

این اسناد است که بخش مهمی از کیفرهای اجتماع‌محور از آن مستفاد می‌شود.

قوانین داخلی جهت حبس‌زدایی و کیفرزدایی و همچنین توجه نشان دادن نهادهای ترمیمی منطبق با ماده ۲۱۱ قانون برنامه پنج‌ساله پنجم باعث توجه نهادهای مختلف در حوزه‌های انتظامی، مدنی، انضباطی، اداری و ترمیمی جهت ضمانت اجرای غیر کیفری مؤثر شده است (۱۶). در همین راستا، نهادهای مختلف از جمله صدا و سیما و آموزش و پرورش موظف به آموزش همگانی جهت جلوگیری از جرائم اجتماعی هستند. در همین زمینه، نهادهای دیگری از جمله سازمان زندان‌ها وجود دارند که جهت جلوگیری از مجازات‌های اجتماعی، اقدامات تربیتی و تأمینی متعددی را انجام می‌دهند که هدف اصلی آنان، اصلاح رفتارهای مجرمان و تبدیل مجازات‌هایی نظیر حبس به مجازات‌های اجتماعی و انسانی است (۱۷). بدین ترتیب سابقه حبس‌زدایی و قضازدایی در اسناد بالادستی بسیار پررنگ بوده و نشان از آن دارد که قانونگذار همواره به تبع تعالیم اسلام که مجازات حبس را مجازات اصلی ندانسته است و همگرا با تحولات جرم‌شناسی، در پی تبیین و تعیین مجازات‌های اجتماعی یا جامعه‌محور بوده است.

توجیهات مجازات‌های اجتماعی و حقوق شهروندی

۱- سیالیت شهروندی و احکام تعزیری

حقوق شهروندی موضوعی سیال و تغییرپذیر است. به همین دلیل بهره‌گیری از مجازات‌های اجتماعی که در قانون داخلی ما حیطه تعزیرات را شامل می‌شود، می‌تواند حقوق شهروندی را در ابعاد اجتماعی و قضایی آن مورد حمایت قرار دهد. این رویه به جهت سیال بودن مجازات‌های تعزیری و سپردن امور به دست حاکم و بهره‌گیری از شرایط زمانی و مکانی وقوع جرم حائز اهمیت است. توضیح این‌که میان جرائم حدی و تعزیری، تفاوت‌هایی وجود دارد، از جمله این‌که در جرائم حدی و براساس شرع، نوع جرم و مجازات متناسب با آن ثابت است و قاضی تنها به صدور حکم مبادرت می‌ورزد، در حالی که در مجازات تعزیری، این عمل به عهده قاضی

کیفری بیشتر خواهد شد و از طرفی دیگر، به علت مشارکت مردم رابطه مستحکم‌تری بین دستگاه قضایی و شهروندان ایجاد می‌شود (۲۰).

۳- امنیت مشارکت‌محور برای شهروندان

شهروند در یک توضیح مفید به کسانی اطلاق می‌شود که در امور مختلف جامعه مشارکت می‌کنند. این رویه در بُعد قضایی، مشارکت شهروندان در بهبود وضعیت اجتماعی را مورد توجه قرار می‌دهد و به نوبه خود شهروندان مسئولیت‌پذیر را تربیت می‌کند، ضمن این‌که شهروندی مستلزم در نظر گرفتن تکالیف و مسئولیت‌هاست و از این حیث، مشارکت مردم در امور قضایی باعث آگاهی آنان نسبت به حقوق سایر شهروندان می‌گردد (۲۱). این نوع از مشارکت از حیث اهمیت قائل‌شدن به زندگی اجتماعی، شهروندان را در امور اجتماعی دخیل می‌سازد و راهی برای بهبود امنیت اجتماعی ایجاد می‌کند.

به نظر می‌رسد در مجازات‌های اجتماعی امکان بیشتری برای امنیت مشارکت‌محور نسبت به زندان وجود دارد. در این‌باره می‌توان گفت مشارکت مردم علاوه بر ایجاد اعتماد اجتماعی، باعث تغییر رویه تصمیم‌گیری از بالا به پایین می‌شود و ظرفیت‌های جامعه را برای تصمیمات مردم‌گرایانه‌تر و از پایین به بالا میسر می‌سازد (۱۴). بنابراین بُعد دیگر مجازات‌های اجتماعی، اهمیت قائل‌شدن به نقش مردم و نهادهای اجتماعی غیر دولتی در تصمیمات کیفری است که در واقع نوعی پیشگیری مؤثر محسوب می‌شود. از این حیث، جرم‌زدایی و کیفرزدایی علاوه بر تمرکززدایی قضایی باعث جلوگیری از تورم کیفری می‌گردد (۲۲).

۴- کاهش هزینه‌های کیفری و همکاری اجتماعی شهروندان

توجیه دیگری که برای اعمال مجازات‌های اجتماعی و کمک به شهروندان، اعم از کسانی که به دلیل ارتکاب جرائم راهی زندان می‌شوند و یا کسانی که در معرض آثار ناشی از مجازات زندان قرار دارند (خانواده زندانیان) می‌توان مطرح کرد این است که مجازات‌های اجتماعی، هزینه‌های کیفر حبس را پایین می‌آورد. در این حالت، رویکردهای اجتماعی که مبتنی

و گذاشته شود که می‌تواند به صدور آرای متفاوت و متناسب با شرایط زمانی و مکانی منجر شود. از این جهت، مجازات‌های تعزیری در حیطه مجازات‌های اجتماعی دسته‌بندی می‌شوند و میان آنان نوعی هم‌نوایی و هم‌سویی دیده می‌شود. بدین ترتیب در مجازات تعزیری، نظر حاکم بسیار اثرگذار است (۱۸). به نظر می‌رسد این موضوع از آنجایی می‌تواند حامی حقوق شهروندان تلقی شود که شهروندی، خود موضوعی دگرگونی‌پذیر و تحت تأثیر شرایط زمانه است. از این رو به کارگیری شیوه‌های اجتماعی مجازات می‌تواند همسو با تحولات شهروندی تلقی شود.

۲- جلوگیری از برجسب‌زنی فردی و اجتماعی

زندانی‌شدن هرچند راهی برای پیشگیری و کنترل آسیب‌ها و جرائم اجتماعی است، ولی همواره این خطر وجود دارد که پس از اتمام دوره زندانی، افراد زندانی‌شده با برجسب‌های مختلفی رو به رو شوند که عواقب مطلوبی نیز در پی ندارد. این موضوع برای افرادی که جرائم کوچکی مرتکب می‌شوند، تبعات سنگین‌تری در پی دارد. بیشترین خطری که این‌گونه مجرمان را بر اثر مجازات زندان تهدید می‌کند، رواج پدیده اجتماعی برجسب‌زنی است که حتی ممکن است نگاه عموم مردم نسبت به مجرم را نیز تحت تأثیر قرار دهد. این موضوع هنگامی خود را نشان می‌دهد که برجسب اجتماعی به عنوان بخشی از هویت شخص در نظر گرفته شود و در نزد دیگران نیز به عنوان ویژگی‌های یک مجرم در نظر آورده شود. علاوه بر جنبه بیرونی و اجتماعی، برجسب ممکن است توسط خود فرد نیز درونی شود و نوعی انحراف در رفتار فرد را نیز به وجود آورد (۱۹). بدین ترتیب برای مرتفع ساختن چنین رویه‌ای و در برابر زندان‌های پرجمعیت و هزینه‌های سنگین ساخت زندان، مجازات‌های اجتماعی می‌توانند از حیث صرفه‌جویی در هزینه و زمان، نویدبخش اقدامات پیشگیرانه در جامعه باشند و همچنین شدت عمل در برخورد با جرائم سنگین نیز حفظ می‌شود. به عبارت دیگر از یک طرف، به علت آنکه مجازات اجتماعی هزینه کم‌تری برای دولت دارد و جامعه مدنی نیز در اجرای آن مشارکت دارد و در عمل اجرای مجازات را موجب می‌شود، اعتماد عمومی به نظام عدالت

بر حبس‌زدایی و جلوگیری از گسترش زندان‌ها است، بر دو مبنای سلبی و ایجابی دنبال می‌شود: اولاً با کنارگذاشتن زندان به مثابه اولین راه حل برای مقابله با جرائم کیفری، حبس‌زدایی را دنبال می‌نماید؛ دوماً مسأله بازپروری اجتماعی و توجه به کاستن از هزینه‌های مالی و کاستن از تعدد پرونده‌های قضایی را مد نظر قرار می‌دهد (۲۳).

حقوق شهروندی علاوه بر دارابودن پایه‌های روشن در جامعه، توسط امور دیگری از جمله همکاری و تعاون اجتماعی نیز توسعه می‌یابد. از این جهت، مجازات‌های اجتماعی حامی حقوق شهروندی و مشارکت در کارهای عمومی و عام‌المنفعه به شمار می‌رود. به عبارتی دیگر، مشارکت در کارهای عمومی و عام‌المنفعه از دیگر ثمرات مجازات‌های اجتماعی است. چه این‌که، خدمات عمومی یا کارهای عام‌المنفعه در زمره ضمانت اجرای اصلی جایگزین حبس محسوب می‌شوند. کار عام‌المنفعه نمونه‌ای از اعمال مشارکتی است که نیازمند همکاری آحاد مختلف جامعه، مؤسسات و نهادهای دولتی با نهادهای قضایی است. بر این اساس، محکومان به این کیفر با پذیرش این حکم ملزم می‌شوند که در تمام مدت مقرر، توسط دادگاه، به جای رفتن به زندان، به انجام کارهای الزامی در محیط کار خود یا در محیط کار دیگری که از سوی مقامات قضایی مشخص می‌شود، بپردازند (۳). این رویه باعث می‌شود تا زندان و آثار منفی آن جای خود را به سیاست حبس‌زدایی و به کارگیری زندانیان در اموری که تخصص دارند، بدهد.

یکی دیگر از رویه‌هایی که می‌تواند به عنوان یکی از خصیصه‌های مجازات اجتماعی در نظر گرفته شود و در نهایت حقوق شهروندی را در ابعاد تربیتی توسعه ببخشد، «آزادی مشروط» است. آزادی مشروط در واقع یک ابزار ارفاقی است که قبل از اتمام مدت مقرر مجازات حبس توسط دادگاه صادرکننده حکم به محکوم‌علیه اعطا می‌شود که نمایانگر توجه خاص قانونگذار به هدف اصلاح و درمان و بازسازی اجتماعی محکوم است. آزادی مشروط جزء برنامه‌های اصلاحی، تربیتی و اجتماعی است که تسهیل‌کننده بازسازی اجتماعی فرد در اجتماع می‌باشد. این نهاد را می‌توان به عنوان برنامه‌های جایگزین مجازات حبس در مفهوم موسع،

تلقی نمود، البته مشروط بر این‌که همراه با نظارت باشد (۲۴). اهدافی که برای این‌گونه از مجازات‌ها که از آن‌ها نیز به مجازات‌های اجتماع‌محور یاد می‌شود، برشمرده شده، کاهش جمعیت کیفری و همچنین کاهش زمان رسیدگی به دعاوی، توجه به اصلاح اجتماعی مجرمان، ایجاد روحیه مسؤولیت‌پذیری در بین آنان، جلوگیری از تکرار جرائم اجتماعی و همچنین تقویت روحیه اعتماد میان مردم و دستگاه قضایی است (۲۰).

حقوق شهروندی در صورتی قابل حصول است که اجتماعی سالم، ایمن و مطلوب شکل بگیرد که هم بتواند سیاست‌های قضایی مناسبی برای عموم شهروندان در نظر بگیرد و هم این‌که راهی برای اصلاح و بازپروری مجرمان و بزه‌کاران بیاندیشد. بنابراین توجه به مجازات‌های اجتماعی از جمله احکام تعزیری در قوانین داخلی می‌تواند برخی از مشکلات از جمله تعدد پرونده‌های قضایی را به حداقل برساند. از این حیث، زندان آخرین مرحله برای کیفردهی است و امروزه توسل به زندان به عنوان اولین راه حل چندان موجه نیست (۲۵). با این حال، توجیهات و استدلال‌های متعدد دیگری در جهت حمایت از حقوق شهروندی و با رویکرد اجتماعی مطرح شده است که بر آثار منفی و مخرب زندان بر زندگی فردی و اجتماعی شهروندان توجه نشان می‌دهد. در این رابطه، روی هم‌رفته می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

۱-۴- تأثیرات ذهنی زندان: حقوق شهروندی مدافع

زندگی مسالمت‌آمیز و عاری از خشونت‌های فردی و جمعی است. این مسأله با رویکرد نهفته در زندان که ممکن است آثار فردی نامطلوبی در پی داشته باشد، در تضاد است. به همین دلیل، توجیه‌گرایی و تغییر در ارزش‌های اجتماعی، عادی‌شدن فضای زندان برای برخی از مجرمین و بزه‌کاران و تأثیرات منفی زندانیان نسبت به یکدیگر از تبعات منفی زندان بر ذهن و روان زندانیان است. عوامل ذهنی و درونی دربرگیرنده موارد فردی است که ممکن است به بی‌اعتمادی افراد نسبت به دستگاه‌های قضایی منجر گردد (۲۶)، ضمن این‌که حبس از جهات دیگری نیز می‌تواند باعث تغییر رفتارهای فرد زندانی گردد که از جمله پیداشدن رویه‌های جدید و متفاوت از

باشند. این امر با توجه به اصل ۱۵۶ قانون اساسی و اسناد بالادستی جمهوری اسلامی ایران و رویکرد جدید قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ مبنی بر حبس‌زدایی می‌تواند بیش از پیش مورد توجه قرار گیرد.

۲-۴- تأثیرات عینی زندان: علاوه بر آثار ذهنی، زندان به شکل عینی و بیرونی نیز بر رفتارها و کردار شهروندان اثرگذار می‌شود. به طور کلی، عوامل عینی و بیرونی دربرگیرنده مواردی همچون، ازهم‌گسیختگی خانوادگی، یادگیری فنون ارتکاب جرم، اشتغال و طرد اجتماعی می‌باشند. برای مثال، بالارفتن آمار طلاق در زندانیان، خدشه‌دار شدن روابط مادی و معنوی آنان، طرد از خانواده و در نهایت تأثیر والدین زندانی بر فرزندان از پیامدهای ازهم‌گسیختگی خانوادگی هستند. تحقیقات جامعه‌شناختی در این زمینه نشان می‌دهند که مهم‌ترین عامل مؤثر در تقاضای طلاق از مردان، زندانی سابقه‌دار بودن آن‌هاست. بدین معنا که هرچه مرد سابقه‌دارتر باشد، احتمال وقوع طلاق بیشتر است. بنابراین حبس به نوبه خود روابط خانواده را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد. برخی تحقیقات نیز گویای آن است که زنان جوان، زنان معتاد و زنانی که متهم به روابط نامشروع هستند، بیش از پیش در معرض چنین خطری قرار دارند. علاوه بر این، با پایان حبس نیز ممکن است چنین زنانی با بی‌اعتمادی اقوام و خویشاوندان خود مواجه گردند (۲۶). بنابراین پدیدآمدن چنین مشکلات متعددی که ناشی از تحمل حبس برای مجازات است، ضرورت توجه جدی‌تر به سیاست مجازات‌های اجتماعی و جایگزین حبس را گوشزد می‌کند، ضمن این‌که اهمیت این مسأله برای حفظ نهاد خانواده و جلوگیری از فروپاشی آن برای تربیت شهروندان دو چندان است.

حبس از جهاتی دیگر، تنها به ایجاد محدودیت برای فرد مجرم منجر نمی‌شود، بلکه آثار و تبعات اجتماعی و خانوادگی آن به گونه‌ای است که در نهایت باعث طرد اعضای خانواده از جامعه و همچنین بروز مشکلات و تنگنای مالی بر سایر اعضای خانواده می‌گردد. از این حیث، خانواده مجبور هستند تا برخی هزینه‌های جانبی شخص مجرم را تحمل نمایند (۲۵). به هر تقدیر، مخالفان محیط زندان و حامیان مجازات‌های

هنجارهای جامعه است. بنابراین حبس علاوه بر این‌که ممکن است رفتارهای سالم فرد را از بین ببرد، از جهت دیگری نیز می‌تواند باعث یادگیری جرائم تازه در فرد گردد و آثار اجتماعی و فردی مخربی بر جای بگذارد. برخی تحقیقات نشان می‌دهند که میزان تأثیرپذیری افراد کم‌سواد نسبت به افراد با سواد در این زمینه به میزان قابل ملاحظه‌ای بیشتر است (۲۶). بنابراین زندان به مثابه یک محرک روانی نامطلوب تأثیرات منفی ناگواری بر اذهان زندانیان می‌گذارد که همین مسأله ضرورت توجه به مجازات‌های اجتماعی را نیز تشدید می‌کند.

از دیگر تأثیرات ذهنی بر زندانیان عادی‌شدن محیط زندان برای آن‌ها به تبع نابودی حس مسئولیت در آنان است، زیرا طولانی‌شدن روند زندانی و همچنین تقویت روحیه بیکاری و آسودگی، شخصیت مجرمان را نیز تحت تأثیر خود قرار می‌دهد که در واقع به معنای عادی جلوه‌دادن مسئولیت‌گریزی در میان آنان است، ضمن این‌که معاف‌شدن مجرمان از پرداخت هزینه‌های جاری نظیر مسکن، ایاب و ذهاب و... نیز باعث دوری آنان از فعالیت‌های اجتماعی و خانوادگی می‌شود. از این منظر، علاقه به زندان، نه به خاطر پذیرش گناه و جرم، بلکه به معنای سلب مسئولیت از خویش و گذراندن ایام در زندان است (۲۷). همچنین از آنجایی که در موضوع مجازات حبس، تفکیکی میان مجرمان صورت نمی‌گیرد و در پاره‌ای از مواقع، مجرمان ساده با مجرمان خطرناک در یک مکان نگهداری می‌شوند، این عمل باعث گرایش مجرمان ساده به اعمال خطرناک و تبدیل آنان به مجرمان خطرناک می‌شود. در این حالت، مسأله سرایت و اثرگذاری مجرمان خطرناک بر مجرمان ساده مطرح می‌شود که در نهایت می‌تواند باعث آشنایی آنان با انواع و اقسام جرائم اجتماعی گردد (۲۷) تا جایی که به گفته مارک آنسل: «زندان، ضمن آنکه باید ابزار اصلی واکنش در مقابل بزه‌کاری باشد، از همان ابتدا به صورت یک مدرسه تکرار جرم بوده یا به آن تبدیل شده است» (۲۸). بنابراین از منظر حقوق شهروندی و با توجه به نتایج نامطلوبی که به واسطه تحمل حبس طولانی‌مدت پدید می‌آید، مجازات‌های اجتماعی و جایگزین حبس می‌توانند راهگشا و قابل توجیه

۳-۴- تأثیرات منفی زندان بر مجرمان با شخصیت

خاص: یکی از متغیرهای تأثیرگذار بر نوع و چگونگی و حتی وسیله ارتکاب جرم، جنسیت است. بر پایه مطالعات انجام‌شده، زنان به نسبت مردان سهم کم‌تری در پدیده مجرمانه دارند. بسیاری از زنان زندانی شخصیت مجرمانه آن‌گونه که در جرم‌شناسی مورد نظر است، ندارند و این جرم را به منزله عملی عادی انجام می‌دهند. در حقیقت مشکل زنان در ارتکاب جرم بسیار پیچیده‌تر از آن است که تصور می‌شود. این زنان و دختران خود قربانی شرایط خاص خود بوده‌اند. بخش عمده‌ای از زنان زندانی خطرهای ناچیزی برای جامعه دارند و اصولاً خطرناک نیستند و به ویژه در مورد جرم‌های مواد اعتیادآور غیر قانونی، حدود ۷۵٪ این زنان مادر بوده و فرزندان آنان در بیرون از زندان بی‌پناه مانده‌اند. هنگامی که مادری روانه زندان می‌شود، هیچ تضمینی برای محافظت و نگهداری از فرزندان، چه از طرف دولت و چه سازمان‌های خصوصی وجود ندارد، حتی اگر مادر را بی‌درنگ پس از تولد نوزاد به زندان ببرند، هیچ حمایتی برای کودکان وجود ندارد. بسیاری از زنان زندانی اظهار می‌دارند که جدایی از فرزند مشکل‌ترین بخش مجازات است (۳۰). علاوه بر آن، زنان در زندان نه تنها غرور، بلکه قابلیت‌های خود را نیز از دست می‌دهند. واقعیت‌های زندگی در زندان نسبت به زنان حالت ویرانگر دوجندانی دارد. در کنار مشکلات روانی وجود انحرافات جنسی در زندان یکی از بزرگ‌ترین مشکل زنان زندانی و موجب طرد آن‌ها از سوی خانواده و جامعه و داغ ننگی است که پیشینه کیفری بر موجودیت آن‌ها وارد می‌نماید؛ لذا زنان نسبت به مجازات زندان آسیب‌پذیری بیشتری خواهند داشت. بنابراین مجازات اجتماعی و جایگزین برای گروه‌های اجتماعی نظیر زنان یک ضرورت اساسی به شمار می‌رود.

در پایان این بحث بایسته است تا ماهیت، ضرورت و دسته‌بندی مجازات‌های اجتماعی در قبال کیفر حبس را که می‌تواند ارتباط تنگاتنگی با وضعیت حقوق شهروندی برقرار نماید، به نحو ذیل مطرح نمود:

- مجازات‌های اجتماعی از نظر ماهیتی جزء مجازات‌های تعزیری محسوب می‌شوند، لذا مشمول قواعد و ضوابط حاکم

اجتماعی، یادگیری جرائم توسط فرد زندانی را از مهمترین دلایل مخالفت خود با مجازات حبس بیان می‌دارند. اینان بر این باورند که زندان‌ها محیط گردآمدن کسانی است که به بدی آلوده شده‌اند یا فرض بر این است که آلوده شده و از گناهکاران‌اند. در چنین محیطی، هیچ‌کس تجربه کارهای خوب را به دیگری انتقال نمی‌دهد و هر کس به نوعی در معرض بدآموزی و فساد قرار می‌گیرد. در این محیط نابهنجار، امکان انتقال جرائم، ارتقای کیفیت جرائم و یادگیری شگردهای جرم و حیل قانونی وجود خواهد داشت (۲۹). به راستی که می‌توان گفت زندان همانند یک مدرسه آموزش جرم عمل می‌کند و معلمان این مدرسه نیز خود زندانیان هستند.

یکی دیگر از پیامدهای عینی مجازات حبس، مشکلات مربوط به اشتغال مجرمان و مرتکبان است که ممکن است پس از آزادی زندان رخ دهد. به عنوان مثال، هنگامی که فرد از زندان آزاد می‌شود و خود را در اجتماع می‌بیند، نگاه خاصی از جانب همسایگان، آشنایان و همکاران محیط کار بر وی تحمیل می‌شود که ممکن است در نهایت به بیکارشدن و طرد وی از جامعه منجر گردد که آثار آن می‌تواند به فقر منتهی شود. بنابراین نگاه خاصی در جرائم اجتماعی به دوران پس از زندان در حیطه اشتغال افراد وجود دارد. بنابراین مجازات‌های اجتماعی نظیر به کارگیری مرتکبان و متخلفان در حوزه‌های تخصصی و اشتغال به حرف می‌تواند از نظر اجتماعی و اقتصادی یاری‌رسان شهروندان باشد. مضاف بر آن، وقتی پای کسی به زندان باز شد، نوعی بدبینی همگانی حتی اگر فرد بی‌گناه باشد نسبت به وی ایجاد می‌شود که رفع این بدگمانی به راحتی امکان‌پذیر نیست. افزون بر آن، به طور معمول، وقتی شخصی به زندان فرستاده می‌شود، از وی انگشت‌نگاری به عمل می‌آید و در مواردی که گواهی عدم سوءپیشینه از وی مطالبه می‌شود، با این پاسخ که دارای سوءپیشینه کیفری است، رو به رو خواهد شد. در این صورت، به فرض آنکه از وی اعاده حیثیت شده باشد یا حتی بی‌گناهی وی به اثبات رسیده باشد، اعتمادناپذیر جلوه می‌کند، در نتیجه فرد زندانی تا اندازه‌ای بسیار، شانس و فرصت زندگی آبرومندانه و بهره‌مندی از حقوق و امتیازهای اجتماعی را از دست می‌دهد (۲۹).

یا قصور را در شکل‌گیری رفتارهای مجرمانه نشان می‌دهند. به همین دلیل برای مقابله با چنین جرائمی که اهداف عمدی و خطرناکی پشت آن‌ها نهفته نیست، رویکرد مجازات اجتماعی می‌تواند مؤثر باشد.

نتیجه‌گیری

مجازات‌های اجتماعی نمودی از جنس مجازات‌های تعزیری در فقه و حقوق اسلامی می‌باشند که در صورت بهره‌گیری از آنان هم می‌توان شاهد کاهش هزینه‌های مجازات در جامعه بود و هم حقوق شهروندی را بهبود بخشید. حبس‌زدایی، قضازدایی، جرم‌زدایی و کیفرزدایی، جرم‌انگاری‌های جدید در حوزه محیط‌زیست، حقوق بشر، حقوق اقتصادی، حقوق کودکان و زنان، حقوق اقلیت‌های نژادی - قومی، تقویت حقوق دفاعی متهم و حقوق بزه‌دیدگان در قالب دادرسی و رفتار عادلانه، تعدیل و انسانی‌کردن پاسخ‌ها به بزه‌کاری از دستاوردهای رویکرد مجازات اجتماعی بوده است. همچنین مجازات‌های اجتماعی با در نظر گرفتن محیط زندگی مرتکبان و شرایط اجتماعی‌ای که جرم در آن رخ می‌دهد، رویکردی زمینه‌گرا اتخاذ می‌کند که خود نشانگر توجه به مکان و زمان وقوع جنایات و به کارگیری شیوه‌های اجتماعی مقابله با آن است. به همین دلیل، سیاست اجتماعی مشارکتی می‌تواند وارد عمل شود. سیاست جنایی مشارکتی به معنای دخالت‌دادن مردم و نهادهای مردمی در روند اجتماعی‌کردن امور قضایی است که در واقع سامان‌بخشی به حوزه‌های اجتماعی نیز محسوب می‌شود. بدین‌ترتیب مجازات‌های اجتماعی از منظر حقوق شهروندی دارای مزیت‌های متعددی است که می‌تواند زمینه را برای اعمال سیاست‌های جایگزین حبس مهیا نماید.

باید به این نکته توجه نمود که مجازات‌های اجتماعی از نظر ماهیتی جزء مجازات‌های تعزیری دسته‌بندی می‌شوند و تقریباً احکامی که برای مجازات‌های تعزیری در نظر گرفته می‌شود، در راستای احکام اجتماعی است که در قالب حبس‌زدایی مورد توجه قرار می‌گیرند. این شرایط ذیل ماده ۱۸ قانون مجازات اسلامی تعیین شده‌اند. دسته‌ای دیگر

بر مجازات‌های تعزیری می‌باشند؛ از این حیث، با توجه به تغییرات در مصادیق شهروندی و ضرورت تطابق قوانین با مطالبات شهروندان، مجازات‌های تعزیری با دنبال کردن رویکرد حبس‌زدایی و تبدیل مجازات حبس به مجازات‌های اجتماعی، گام‌های مؤثری در حیطه حقوق شهروندی تلقی می‌شوند.

- مجازات جایگزین حبس یکی از انواع مجازات‌های اجتماعی محسوب می‌شود که به دلیل درک شرایط اقتصادی و اجتماعی مجرمان کم‌خطر، جلوگیری از گسترش فرهنگ زندان، ترویج فرهنگ اصلاح و بازپروری مجرمان، حقوق شهروندی را مد نظر قرار می‌دهد. به عبارتی دیگر، زندان‌زدایی و کمک به مجرمان کم‌خطر گامی برای تحقق زندگی مسالمت‌آمیز و عاری از تهدید روانی برای شهروندان است.

- از جمله جرائم عمدی، مواردی است که مجازات‌های قانونی آن‌ها، سه ماه حبس است. در این موارد مجازات حبس باید به مجازات جایگزین تبدیل گردد که خود باعث جلوگیری از زندان‌رفتن و کاسته‌شدن از معضلات اجتماعی ناشی از زندان می‌شود. این فرایند نیز حامی حقوق شهروندی است، زیرا برخی افراد ممکن است با رفتن به زندان، از برخی مشاغل اخراج شوند یا در میان اجتماع با نگاه مجرمانه با آنان برخورد شود که اعمال مجازات اجتماعی جلوی چنین رویه‌ای را می‌گیرد.

- دسته دیگر از جرائم عمدی، مواردی است که مجازات در نظر گرفته‌شده برای آن‌ها نود و یک روز تا شش ماه حبس است که در واقع به دلیل کوتاه‌بودن دوره حبس، از شیوه مجازات جایگزین حبس بهره برده می‌شود. البته باید گفت که این رویه هنگامی صادق نیست که مرتکب، دارای سوابق کیفری و سوءپیشینه باشد. بنابراین چنین جرائمی نیز در زمره مجازات اجتماعی قرار می‌گیرند که می‌توان با پرداخت هزینه جرائم و تبدیل حبس به مجازات اجتماعی، حقوق شهروندان را در زمینه قرار داشتن در کنار خانواده و دارابودن محیطی امن و اصلاح‌پذیر فراهم آورد.

- دسته دیگر، جرائم غیر عمدی هستند. در جرائم غیر عمدی در حقیقت شخصیت مرتکب، ضد اجتماعی تلقی نمی‌شود، بلکه چنین وضعیتی تأثیر برخی رفتارهای سهوی و

شرایط اختصاصی هستند که در ماده ۶۳ قانون مجازات اسلامی مشخص شده‌اند. در این قوانین به شرایط متعدد فردی و اجتماعی مجرم توجه نشان داده شده است که به عنوان مؤلفه‌های مهمی در صدور احکام علیه مجرمین مد نظر قرار می‌گیرد که از جهات مختلفی می‌تواند باعث گرایش به سمت مجازات‌های اجتماعی گردد. این رویکردها غالباً با عنوان «اصل فردی کردن مجازات» یا «اصل تناسب مجازات و مجرم» شناخته می‌شوند که به جوانب مختلف شخصیت فرد مجرم و زمینه اجتماعی که در آن زندگی می‌کند، توجه نشان می‌دهند. حتی در این رابطه، توجه به ویژگی‌ها و خصوصیات روانی مجرم نیز مورد توجه است. پرونده شخصیت از آموزه‌های مکتب جرم‌شناسی بالینی است که در این خصوص می‌تواند مورد نظر قرار گیرد. بدین‌ترتیب فراهم کردن شرایطی برای بهبود و بازپروری مجرمین، توجه به اصل نهاد خانواده و جلوگیری از فروپاشی و یا تزلزل آن از مهمترین نشانه‌هایی است که از منظر حقوق شهروندی، مجازات‌های اجتماعی را توجیه می‌کند. بر این اساس، هرچند قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و سیاست‌های ابلاغی نظام، بر حبس‌زدایی و مجازات اجتماعی به عنوان راهی برای اصلاح مجرمین و مشارکت آنان در دستیابی به حقوق خویش می‌نگرد، اما این رویه نیازمند توجه بیشتر و به کارگیری روش‌های مؤثرتر در زمینه‌های مختلف است. به نظر می‌رسد تشویق و آموزش قضات به کشف و معرفی روش‌های مجازات اجتماعی و دوری‌جستن از زندان برای گروه‌های خاص نظیر زنان و کودکان به نوبه خود خواهد توانست زمینه را برای بهبود حقوق شهروندی فراهم آورد.

References

1. Jamshidi AR. Participatory Criminal Policy. Tehran: Publisher Mizan; 2011.
2. Mansurabadi A, Konani S. The Context of Socialist Punishments, with an emphasis on Irans Criminal Policy approach. *Journal of Crime Prevention Studies* 2010; 5(15): 15-42.
3. Kent G. Punishment. *Journal of Criminal Law an Criminology, Northwestern University School of Law* 1983; 74(2): 310-350.
4. Hayes DJ. The penal impact of community punishment in England and Wales: A conceptual and empirical study. Ph.D. Thesis. London: University of Nottingham; 2015.
5. Gaille M. Citizenship in the History of Western Thought. Translated by Bagheri A. Tehran: Publisher Farzan Rooz; 2012.
6. Bosniak L. The Citizen and the Alien: Dilemmas of Contemporary Membership, Princeton. London: Princeton University Press; 2008.
7. Garland D. Punishment and Modern Society. Translated by Gholami N. Tehran: Publisher Mizan; 2016.
8. Crawford A. The Local Governance of Crime: Appeals to Community and Partnership. Oxford: Publisher Clarendon; 1997.
9. Brownlee I. Community Punishment: A Critical Introduction. London: Publisher Longman; 1998.
10. Worrall A. Punishment in the Community: The Future of Criminal Justice. London: Publisher Routledge; 1997.
11. McCulloch T, McNeill F. Consumer Society, Commodification and Offender Management. *Criminology and Criminal Justice* 2007; 7(3): 223-242.
12. Mohaghegh Helli NJ. Sharaye al-Islam. Qom: Publisher Islamieh; 2010.
13. Mousavi Khomeini RA. Tahrir al-Vasileh. Qom: Publisher Dar al-Elm; 1986.
14. Zeinali AH, Bahrami Yasi Kend H. Sociology of Punishment. Tehran: Publisher Khorsandi. 2017.
15. Bahremand H. Decarceration Policy in the Legal System of the Islamic Republic of Iran. *Journal Rahbord* 2017; 26(82): 357-382.
16. Arbabi Mojaz M. Punishments of the Community Focused on Criminal Law in Iran and the United Kingdom. Tehran: Publisher Pezhvak Adalat; 2017.
17. Najafi AbrandAbadi AH. Social Punishment of Community-Based in the Bill of Social Punishment. Tehran: Publisher Mizan; 2007.
18. Mohaghegh Damad SM. Rules of Jurisprudence (Penal Section). Tehran: Publisher Center of Olum Islami; 2012.
19. Pi Williams F, Lindi M. Criminological Theories. Translated by Malekmohammadi HR Tehran: Publisher Mizan; 2003.
20. Yekrangi M, Iranmanesh M. Punitive Community Punishments: From Theory to Practice. *Jouranl Legal Rights* 2008; 72(1): 89-112.
21. Ghobadi AR. The need for people participation in the Field of Culture. Tehran: Publisher Aan; 2002.
22. Ghaffari M. Determinations of Decriminalization. *Journal Adalat Ara* 2007; 28(45): 105-138.
23. Kashefi H, Khalesi M. Alternative Sentences to imprisonment in French Law. *Legal Journal of Justice* 2001; 1(36): 153-176.
24. Yousefi Neghad N, Aghajani M. Investigation of Traditional and modern Alternative punishments to imprisonment in the Islamic Penal Code. *Studies in Political Science, Jurisprudence and Law* 2017; 3(3): 149-164.
25. Godarzi Jahromi M, Meghdadi L. History of Prison Developments. Tehran: Publisher Mizan; 2007.
26. Abdi A. Imprisonment and reoffending. *Jouranl of Sociology of Iran* 2002; 4(2): 17-37.
27. Vaeli A. Prison Sentences in Islam. Tehran: Publisher Islamic Cultural; 1983.
28. Ansel M. Social Defence. Translated by Ashuri M, Najafi Irband Abadi H. Tehran: Publisher University of Tehran; 1996.
29. Mansurabadi A. Prison; the Solution or the Problem. Tehran: Publisher Mizan; 2007.
30. Moazami SH. Prison Substitutes for Women. Tehran: Publisher Mizan; 2007.